

اکنون زمان شفاف‌سازی در اتاق‌های بازرگانی است

در حالی که اکثریت قریب به اتفاق هیئت نمایندگان، رؤسای کمیسیون‌ها و هیئت رئیسه اتاق ایران و تهران بر این باورند که علت‌العلل مشکلات اقتصاد ایران نبود شفافیت کافی و وجود رانت‌های اطلاعاتی است، به نظر می‌رسد به مصداق ضرب‌المثل یک سوزن به خود یک جوالدوز به دیگران باید این شفافیت از درون مهمترین اتاق‌های بازرگانی آغاز شود و سپس به سایر اتاق‌هاانتقال و به کل اقتصاد تسری یابد.فعالان اقتصادی و به خصوص اعضای هیئت ریسه اگر مدعی شفاف‌سازی دولت در تصمیم‌گیری‌ها هستند باید خودشان نیز به این باور برسند که تصمیم‌گیری‌هایشان را شفاف اعلام کنند و اکنون زمان شفاف‌سازی اقتصادی است!

«شفافیت» واژه‌ای است که این روزها سوی اعضای اتاق شنیده می‌شود و هر چه به ایام انتخابات نزدیک‌تر می‌شویم نیز تکرار این واژه بیشتر دستمایه کارهای انتخاباتی خواهد شد. لذا به جای تکرار این واژه به صورت کلی که تداعی گر «بگم بگم» هاست، به نظر می‌رسد هیئت‌رئیه دو اتاق ایران و تهران باید در عمل و بر اساس شعارهای انتخاباتی‌ای که پیشتر برای کسب کرسی خود داده‌اند به سوالات زیادی در حوزه‌های مختلف پاسخ دهند که ما در اینجا به پنج نمونه آن می‌پردازیم و بقیه حوزه‌هایی را که باید شفافیت در آن صورت گیرد، به عنوان یک حق هیئت نمایندگان و رأی دهندگان محفوظ می‌دانیم.

۱- شفافیت در کمک به تشکل‌ها: طی روزهای اخیر و در فضای مجازی اخباری مبنی بر کمک صدها میلیونی به یک تشکل تهرانی منتشر شد که ابتدا از سوی مسئولان آن تشکل تکذیب و سپس تأیید شد و هنوز معلوم نیست آیا چنین کمکی به سایر تشکل‌های تهرانی هم شده و این کمک چه نقشی در انتخابات آینده دارد؟

هر چند که امکان پرداخت کمک از سوی اتاق‌های بازرگانی به تشکل‌های بخشی خصوصی در محل درآمدهای یک در هزار و بر اساس قانون و با هدف تقویت تشکل‌های عضو اتاق‌های بازرگانی است اما از آنجایی که نمایندگان اتاق‌ها وکلای فعالان اقتصادی عضو اتاق هستند، حق دارند بدانند که میزان وجوه پرداخت شده و تعداد تشکل‌هایی که پول دریافت کرده‌اند چیست. معیار و ملاک تقسیم کمک‌ها چه بوده است؟ زیرا عدم شفافیت باعث خواهد شد شباهه گرو کشی انتخاباتی یا احاطه رابطه به جای ضابطه قوت بگیرد و به این وسیله عملکرد این اتاق‌ها زیر سؤال برود. لذا پیشنهاد می‌شود در جهت شفاف‌سازی رفتار اتاق‌های بازرگانی نمایندگان از هیئت رئیسه اتاق‌ها بخواهند که رسماً اعلام کنند از زمان تصویب این قانون چه کمکی به کدام تشکل، به چه میزان و در چه زمان یا زمان‌هایی پرداخت شده‌است و منبع در قالب آیین‌نامه‌ای گزارش کمک‌ها را به صورت فصلی یا با دوره زمانی مشخص در اختیار هیئت نمایندگان قرار دهند.

۲- شفافیت در عملیات‌های تبلیغاتی: به‌طور طبیعی اتاق تهران به دلیل تمرکز فعالان اقتصادی در این استان به عنوان ثروتمندترین اتاق کشور شناخته می‌شود و بعد از آن اتاق ایران نیز دارای چنین مزیتی است. بر اساس اعلام یکی از اعضای اتاق تهران که قرار بوده در جلسه‌ای ساختمان جدیدی خریداری شود، یک رسانه نه تنها به دلیل ارتباط روابط عمومی این اتاق با گروه رسانه‌ای مذکور هزینه‌های تبلیغاتی را هدایت می‌کند، بلکه یکی از ساختمان‌های اتاق در عمل پارکینگ آن گروه رسانه‌ای شده‌است.همچنین شنیده‌هاواسامی نشانگر این است که برخی کارمندان این اتاق نیز به استخدام این گروه رسانه‌ای درآمده و در عمل اعضای اتاق نیز نقش پر کر هنر صفحات نشریات این گروه رسانه‌ای را ایفا می‌کنند و لذا اظهار نظر به‌بیشتر از جنس رسانه پسند هستند تا انعکاس دهنده مشکلات و راه‌حل‌های اعضا اتاق و فعالان اقتصادی.

به عبارت بهتر در هزینه‌های تبلیغاتی احتمالاً نوعی انحراف وجود دارد که بیشتر شرف یک رسانه را در تأمین محتوا جلب کرده تا بازتاب‌دهنده عملکرد شفاف اتاق تهران و مضللات فعالان اقتصادی باشد. لذا پیشنهاد می‌شود ضمن بازنگری در نحوه اطلاع‌رسانی و تبلیغات مانند وزارت ارشاد، اتاق تهران و ایران با تفکیک میزان کمک‌ها به هر رسانه به هیئت نمایندگان گزارش دهند و بگویند که چرا به هر چه همکاری بیشتر با یک رسانه مشخص برخی از اعضا پاکوت خبری بوده‌اند؟

۳- شفافیت در دریافت حقوق و حق مأموریت: به‌طور طبیعی اگر اتاق‌های مذکور با درآمد چند صد میلیاردی گزارش عملکرد بوجه‌های خود را به‌طور شفاف ارائه داده بوندند، امروز تخصص بوجه به بخش‌های مشاوران، کمیسیون‌ها، حق سفرها و حضور در همایش‌های استانی و... سؤال برخی از فعالان اقتصادی نبود و پرداخت حقوق بالای ۱۵ میلیون به یک کارمند اتاق معیار و ملاک قضاوت قرار نمی‌گرفت و برخی از هیئت نمایندگان مدعی می‌شدند که اعضای هیئت رئیسه برای هر مأموریت برای خود میلیون‌ها تومان دریافت می‌کنند اما دریافتی‌هایشان را پنهان می‌کنند (هر چند که این دریافت هم قانونی است).

۴- شفافیت در پرداخت یک در هزار و سه در هزار: بدیهی است که دریافت از این محل به عنوان درآمدمزین عوامل حیات اتاق‌ها و ارائه خدمات درخور شأن به فعالان اقتصادی است. اما سؤالی که شاید باید بیش از همه به آن هیئت رئیسه و اعضای کمیسیون‌ها... پاسخ دهند، شفافیت در نحوه پرداخت آنها بر اساس این قانون است. هر چند که مصوبه‌ای چندی پیش به تصویب رسیده تا حق‌السهم پرداختی‌ها کمتر شود. بهترین روش برای این منظور نیز اعلام شفاف پرداختی‌ها و دریافتی‌های اعضای هیئت رئیسه اتاق‌ها به خصوص اتاق تهران و ایران است.

۵- شفافیت در اعلام موضع‌گیری‌ها: آنچه در انتخابات اخیر اتاق بازرگانی و انتخاب یک نماینده دولتی بیش از همه مورد انتقاد اعضا قرار گرفت، عدم شفافیت و گردش مواضع برخی از اعضا و ترجیح رئیس گمرک به یک عضو اتاق بود. آنجایی که مشاور نماینده دولتی نامزد شده در انتخابات اخیر ناگهان خود را به کنار می‌کشد یا یکی از اعضای هیئت‌رئیه (پ-س-س) بعد از جلسه نشست با عضو بخش خصوصی به عنوان تنها رقیب نماینده دولتی با گردشی عجیب و پشت کردن به بخش خصوصی از کرباسیان حمایت کرد. این نوع رفتارهابیش از پیش بر افتقار و اختلاف‌ها دامن زده و در این بین به جای دنبال کردن منافع فعالان اقتصادی به عنوان یک وظیفه ذاتی اتاق‌های بازرگانی، منافع در تقابل یکدیگر در عمل به تضعیف بخش خصوصی و نقش‌پذیری دولتی‌ها در اتاق‌های بازرگانی می‌شود.

گزارش ویژه خبر
یکه زارع: اموال مازاد ایران خودرو و اعلام اینکه در واگذاری اموال مازاد این شرکت هیچ منبعی در درخواست بخش‌های خصوصی داخلی و خارجی وجود ندارد، گفت: هنوز اموال مازاد این شرکت تمام نشده است. هاشم یکه زارع در گفت‌وگو با تسنیم، با بیان اینکه ما به دنبال این هستیم تا شرکت‌های قطعه‌ساز فعال را به بخش‌های خصوصی داوطلب واگذار کنیم، افزود: البته باید در روند مذاکرات بخش خصوصی حائز شرایط لازم هم باشد. وی با اعلام اینکه در روند واگذاری‌ها هیچ منبعی در درخواست بخش‌های خصوصی داخلی و خارجی وجود ندارد، از واگذاری اموال ایران خودرو معادل هزار و ۲۰۰ هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان خبر داد.

آیا بازی کاهش قیمت نفت متوقف می‌شود؟

اصلاح رفتار نفتی عربستان از طریق اوپک



اصلاح رفتار عربستان در رابطه با کاهش قیمت نفت از طریق سازمان اوپک گویا شدت گرفته است، با این حال تداوم بازی که عربستان با موضوع کاهش قیمت نفت در دنیا راه انداخته است شاید از طریق اوپک متوقف نشود. به گزارش «جوان» با وجودی که هم‌زمان با رشد ناامنی در خاورمیانه قیمت نفت افزایش می‌یافت ولی اقدام عربستان مبنی بر کاهش قیمت نفت، بازار را با افت قیمت مواجه کرد. دربر این اقدام اعراب، ایران نیز برای حفظ بازارهای خود قیمت نفت خود را کاهش داد اما به نظر می‌رسد این بازی است که امریکا از طریق عربستان آغاز کرده تا ایران و روسیه را مضروب کند. حال این

نمای نزدیک

اوپک باید ورود کند؛ منافع ملت‌ها به خطر افتاده است

در زمانی که قیمت‌ها متعادل است کار خاصی نمی‌کند تنها به تدریج سقف تولیدبندند می‌کند اما نقش آفرینی سازمانی مانند اوپک باید در چنین شرایطی باشد که قیمت‌ها پایین آمده و کشورها دچار مشکل شده‌اند. بنابراین کار سازمانی مانند اوپک در این شرایط شروع می‌شود و گرنه در شرایط عادی که اوپک کاری انجام نمی‌دهد، وی تأکید کرد: من به دعواها و فشارهای سیاسی بین کشورها کاری ندارم، آنچه مسلم است منافع مردم کشورهای صادرکننده نفت و گاز در

خطر افتاده است به همین دلیل سازمان‌هایی مانند اوپک باید وارد صحنه شوند و از منافع اعضا و در واقع منافع ملت‌های آنها دفاع کنند و حتی در اساننامه اوپک نیز تصریح شده‌است که این سازمان باید از منافع اعضا دفاع کند. خطیبی ادامه داد: اگر قیمت‌ها را کاهش ممکن است وضعیت از این هم بدتر شود؛ درست‌است که عربستان تولید خود را ۸ میلیون بشکه در روز به ۱۰ میلیون بشکه رسانده است و بخش اعظم عرضه مازاد در بازار هم ناشی از تولید عربستان و یکی دو کشوری است که با او همکاری می‌کنند اما در مورد اینکه اهداف آنها سیاسی است مطمئن نیستیم.

خطیبی گفت: با این حال تصور می‌کنم در اوپک می‌توان رفتار عربستان را اصلاح کرد زیرا در دفعات گذشته نیز افت قیمت وجود داشت و حتی شرایط بدتر از این هم شد اما بالاخره دو یا سه بار جلسه تشکیل داده و

نشان دادیم چقدر وضعیت بازار نگران‌کننده است.

اولویت‌بندی صنایع برای یارانه ۱۲۰ میلیارد تومانی

وجود دارد در حالی که سهم بخش معدن در تولید ناخالص داخلی فقط یک درصد است که تا سه برابر این رقم قابل افزایش است. نعمت‌زاده با اشاره به توجه ویژه دولت به بخش معدن و معرفی مزیت‌های این بخش به سرمایه‌گذاران تصریح کرد: دولت علاقه‌مند است که توسعه بخش معدن توسط بخش خصوصی انجام شود البته در مواردی که برای بخش خصوصی جذاب نباشد، دولت وارد خواهد شد.

وزیر صنعت با بیان اینکه قصد داریم در زمینه اکتشاف معادن فعالیت گسترده‌ای انجام دهیم، گفت: برای حضور پررنگ بخش خصوصی داخلی و خارجی تا پایان سال مزایده‌های مختلفی جهت واگذاری معادن و محدوده‌های معدنی برقرار خواهد شد. وی توضیح داد: در این مورد شرایط جدیدی پیش‌بینی شده است. نعمت‌زاده با بیان اینکه معادن نیمه تعطیل دوباره فعال شده‌اند، از سرمایه‌گذاران خارجی خواست توجه بیشتری به بخش معدن داشته باشند. به گفته وی باید یک سال کار فشرده در زمینه اکتشاف معادن انجام شود.

وقت محاسبات ما با توجه به واقعیت‌ها کامل شد، گزارش خواهیم داد.

نویخت درباره درخواست ایران برای برگزاری جلسه اضطراری اوپک گفت: علاوه بر اینکه با آقای زنگنه در این زمینه صحبت کردم، رئیس‌جمهور نیز تأکیدی در این رابطه داشت. آقای زنگنه بخشی از برنامه‌های خود را که در حال اجراست برای هیئت دولت توضیح داد. به گفته وی ایران از همه پتانسیل‌ها و ابزارهای موجود که بخشی از آن اقتصادی و بخشی از آن سیاسی است برای حل این مشکل استفاده خواهد کرد. صحبت‌های سخنگوی دولت در حالی است که آرنالدین جوادی، مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران کاهش قیمت نفت را گذرانداشته و عنوان کرده بود که «ایران در باره کاهش قیمت نفت خام خیلی نگران نیست.»

پیش از این نیز مدیران ارشد وزارت نفت با توجه به اینکه قرار است نشست اوپک چهارم نوامبر (ششم آبان ماه) برقرار شود، واکنشی نسبت به کاهش قیمت نفت خام نشان نداده و معتقد بودند با توجه به نزدیک بودن نشست سالانه اوپک نیاز به برگزاری نشست اضطراری نیست. همین بی‌تفاوتی مدیران نفتی نسبت به این موضوع باعث شد که هفته جاری مجلس با طرح سؤال از وزیر به این مسئله مهم ورود کند که چرا ایران

نسبت به برگزاری جلسه اضطراری اوپک و ادامه روند کاهش قیمت نفت متغلا نه رفتار می‌کند. مسعود میر کاظمی، یکی از اعضای کمیسیون انرژی مجلس معتقد است: زمانی که کاهش قیمت نفت خام به زیر ۱۱۵ دلار آغاز شد، اعضای اوپک اعلام کردند که تا رسیدن نفت به قیمت ۱۰۰ دلار هیچ تگرانی نداریم و اگر قیمت به زیر ۱۰۰ دلار رسید، نشست اضطراری برقرار می‌شود اما متأسفانه اکنون که قیمت به زیر ۹۰ دلار رسیده، هنوز نشست اضطراری برقرار نشده است. این در حالی است که ایران می‌بایست بلافاصله بعد از اینکه قیمت نفت به زیر ۱۰۵ دلار رسید، درخواست نشست اضطراری می‌کرد.

وی با تأکید بر اینکه برخی از کشورهای عضو اوپک مانند عربستان کاملاً ضد منافع کشورهای تولیدکننده نفت عمل می‌کنند، تصریح کرد: عربستان سیاست‌های نفتی خود را با کشورهای اروپایی هماهنگ نمی‌کند. عربستان بیشترین هماهنگی را با گروه G۲۰ دارد و سیاست‌های هماهنگ شده با این گروه را در اوپک پیاده می‌کند و تلاش دارد اوپک را مدیریت کند، ما نباید این اجازه را به عربستان بدهیم و وزارت نفت باید موضع متغلا نه‌اش را تغییر دهد.

وزیر اسبق نفت با بیان تعجب از رویکرد متناقض وزارت نفت با سیاست‌های کشور گفت: هم‌زمان با کاهش تولید نفت عراق به دلیل حمله داعش به این کشور، قیمت نفت روند افزایشی یافت، اما بلافاصله وزیر نفت مصاحبه کرد که آماده‌های تولید عراق را جبران کنیم، عربستان نیز هم‌زمان کاهش تولید خود را اعلام کرد که ما متأسفانه وابستگی به عربستان دارد اعلام کرد که تولید را بالا می‌بریم و کاهش تولید نفت عراق را جبران می‌کنیم. همین موضوع موجب شد قیمت نفت کاهش یابد.

وی اظهار کرد: جالب است که وزارت نفت در زمان‌هایی که قیمت نفت کاهش می‌یابد، واکنشی نشان نداده اما هر زمان قیمت‌ها افزایش می‌یابند، بلافاصله عکس‌العمل نشان می‌دهند و جالب‌تر این است که وزیر نفت ایران هم همسو با آنها عمل می‌کند.

شبکه آب شرب شهرها، دو شبکه‌ای می‌شود

وی با اشاره به اینکه از یک سال گذشته تسیم نقشه راه در سطح کشور به ویژه استان‌های بحرانی آغاز شده است، اظهار کرد: باید با حمایت نمایندگان استان و استاندادر کرمان، بحث آب‌رسانی از سد سفارود به کرمان سرعت بیشتری یابد. قائم‌مقام وزیر نیرو با تأکید بر اینکه باید در صنعت کشاورزی تغییر و تحولاتی در بحث مصرف و الگوهای کشت شکل گیرد، گفت: امیدواریم استان کرمان به عنوان یک پایلوت برای تغییر الگوهای مصرف و کشت در صنعت کشاورزی تبدیل شود و برای سایر استان‌ها به عنوان یک الگو قلمداد شود. قائم‌مقام وزیر نیرو با تأکید بر اینکه دولت آب را ارزان‌تری به مردم عرضه می‌شود که باید آب شرب و مصرفی مردم از یکدیگر جداسازی شود. او اظهار کرد: در این شرایط آب به قیمت بسیار ارزان‌تری به مردم عرضه می‌شود که باید آب شرب و مصرفی مردم از یکدیگر جداسازی شود. شبکه آب شهرها دو شبکه‌ای شد، خاطر نشان کرد: باید از این طریق در حفظ سرمایه‌ها و جلوگیری از هدررفت آب اقدام کرد.

کشور اسلامی اقتصاد اسلامی می‌خواهد

اگر قرار باشد نظام اقتصادی غرب را به شکل مختصر توضیح داد باید اینطور گفت که از منظر نظام اقتصادی غرب هدف وسیله را توجیه می‌کند، از این رو از منظر غربی‌ها هر راهکار و اقدامی که توسعه اقتصادی را به دنبال داشته باشد، قابل قبول و پذیرش است. این در حالی است که از منظر اسلام این نوع توسعه اقتصادی مردود می‌باشد، البته باید مدعی شد که اسلام با توسعه اقتصادی مشکل ندارد بلکه دستیابی به توسعه اقتصادی از هر طریق ممکن مشکلی است که مورد توجه اسلام است.

■ توسعه بدون عدالت مردود است

همانطور که اشاره شد مدل توسعه اقتصادی غربی بر پایه دستیابی به توسعه از هر طریق ممکن حتی اقدام‌های نااعادانه بنا شده‌است، این در حالی است که توسعه اقتصادی حنای عدالت انتقادی است که همچنان پشت پرست نظام اقتصادی غرب که همانا اقتصاد لیبرال است مطرح می‌شود و دستیابی به توسعه از طریق حرکات ظالمانه مشکل‌بنیادی است که اقتصاد اسلامی با توسعه اقتصادی مدنظر غرب دارد. دستیابی به توسعه اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته که عمدتاً بر پایه بازار آزاد بنا شده‌اند موجب انباشت ثروت و رانت در دست عده کوچکی از جامعه می‌شود. این در حالی است که از جمله مسائل روز حکومت‌های سراسر دنیا علاوه بر بهبود شرایط اقتصادی اتباع کشور خود مسئله عدالت اجتماعی می‌باشد. حتی حکومت‌هایی که عملاً منافع و مصالح ثروتمندان لیبرال را جست‌وجو می‌کنند، از ترس شکل‌گیری انقلاب برای بقا و تداوم حکومت خود شعار رسیدگی به امور مردم، ارتقای سطح رفاه و عدالت می‌دهند که نگاهی به وعده‌های انتخاباتی رؤسای جمهوری چون باراک اوباما رئیس‌جمهور امریکا مؤید این مطلب است.

در این میان در برخی از مواقع کشورهای لیبرال مجبور می‌شوند برای تداوم ثروت‌اندوزی‌های خود هزینه‌ای به نام توسعه عدالت اجتماعی را متقبل شوند که این امر را سرمایه‌گذاری برای بقای حکومت خود به شمار می‌آورند. با این حال امتیازهایی را که مردم و اقشار ضعیف جامعه پرداخت می‌کنند، هیچ‌گاه در مدل اقتصاد لیبرال خود نمی‌آورند بنابراین مورد این انتقاد قرار گیرند که چرا از ابتدا توسعه اقتصادی خود را بر پایه عدالت تنظیم نمی‌کنند. بله اقتصاد لیبرال دستیابی به توسعه اقتصادی را از طریق مدل‌های ظالمانه دنبال می‌کند و هر جا که این حرکت ظالمانه خطری به نام انقلاب را در جامعه پدید آورد، طرح‌های نیم‌بندی تحت عنوان عدالت اجتماعی را به اجرا در می‌آورند تا بقای حکومت لیبرال خود را تضمین کنند.

■ بحران پشت بحران

با این وجود طی ۳۰سال گذشته بحران‌های متعددی در اقتصادهای مبتنی بر بازار رخ داده‌است که بحران بدهی کشورهای لاتین در سال ۱۹۸۲، بحران مالی مزکیک در سال ۱۹۹۴، دام نقدینگی ژاپن طی دهه ۱۹۹۰، بحران شرق آسیا در سال ۱۹۹۷، بحران ارزانتین در سال ۲۰۰۲ و بحران مالی اخیر یعنی ۲۰۰۸ امریکا از این دست است بدین ترتیب بازار آزاد تقریباً بین ۸ تا ۱۲سال دچاره بحران شده‌است که نشان از اشکال در این سیستم دارد.

■ سوالی بنیادی

اگرچه حامیداردان اقتصاد سرمایه‌داری بر خالی از اشکال بودن نظام اقتصادی خود اصرار دارند اما نماد این کشورها که امریکا است، در موارد متعدد سیاست‌های حمایتی را به کار گرفته‌است، حال این سؤال مطرح می‌شود که اگر سیستم اقتصادی‌شان خالی از اشکال است چرا از طریق سیاست‌های حمایتی و محرک‌های پولی و مالی سیستم را وصله و پینه می‌کنند؟ چرا مشخص است که دنیا دوباره به این نتیجه رسیده‌است که تمرکز ثروت و گسترش شکاف طبقاتی بدترین حالت ممکن را برای اقتصاد ایجاد می‌کند، زیرا تضاد طبقاتی در مراحل بعدی به شکست‌گیری تظاهرات خیابانی، نابسانمانی‌های داخلی و کاهش سرمایه اجتماعی منجر می‌شود.

در این بین باوجودی که کشورهای اسلامی نیز خود منتقد سیستم اقتصاد لیبرال غربی هستند اما به دلیل نپرداختن به مقوله اقتصاد اسلامی موجب شده تا دشمنان کمونیست به نوعی تن به مدل و سیاست‌های دیکته شده از سوی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی که بر پایه اقتصاد لیبرال تنظیم شده است، بدهند. این در حالی است که نتایج حاصله از این سیاست‌ها با اهداف و آرمان‌های جامعه اسلامی در تضاد است و بی‌شک این سیاست‌ها هر ۱۰ سال یک مرتبه در چنین کشورهای لیبرال بحران آفرینی می‌کنند. تردیدی نیست که یکی از دلایل وقوع انقلاب اسلامی در ایران نیز گسترش فساد مالی، حیف و میل بیت‌المال و عدم توجه به حقوق ضعفا به وسیله حکومت وقت بود. لذا پس از پیروزی انقلاب اسلامی موضوع رسیدگی به مسئله‌های حمایتی و توزیع عادلانه امکانات کشور در زمره مهمترین اهداف حکومت قرار گرفت. امام خمینی در این خصوص چنین گفته‌اند: «رایت این است که مردم قیام به قسط بکنند. عدالت اجتماعی در بین مردم باشد. ما آدمی این محروم‌ها را از محرومیت در بیارویم.»

در حالی که حکومت ایران پس از انقلاب، اسلامی می‌شود ولی متأسفانه به دلیل نپرداختن به طراحی نظام اقتصادی مدنظر اسلام و جایگزینی آن با نظام موجود همچنان اشکال در سیستم اقتصادی به چشم می‌خورد.

البته عدالت اجتماعی طی دهه‌های اخیر هموار مورد توجه مسئولان بوده است ولی به دلیل اختلال سیستم اقتصادی موجود ظرفیت تحقق رشد عدالت اجتماعی را ندارد، این مهم محقق نشده است و در عمل اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی نتیجه‌ای جز افزایش شدید سطح عمومی قیمت‌ها، کاهش قدرت خرید اقشار کم درآمد، افزایش ثروت بخشی از جامعه که عمدتاً در بخش تجارت مشغول بودند، نداشته است. از آنجایی که سیاست‌های اجرایی در حوزه اقتصاد به نوعی سیاست‌های دیکته شده غربی توسط نهادهایی چون صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی بوده است در نتیجه عدالت اجتماعی با توسعه همراه نشده است و این امر همان اشکالی است که در سیستم وجود دارد. در این بین چنین بران است می‌شود که اسلام با توسعه اقتصادی کاملاً موافق بوده ولی برای رسیدن به آن رعایت عدالت در همه ابعاد لازم و ضروری می‌داند و اصولاً توسعه اقتصادی بدون لحاظ کردن عدالت با معنای واقعی توسعه سازگار نیست. در طول سال‌های اول از انقلاب، با رفتن و آمدن دولت‌ها، یکی پس از دیگری، مشکلی که همواره اقتصاد ایران با آن عین بود، این است که هیچ‌گاه الگوی اقتصادی همترا با جمهوری اسلامی نبود و به همین دلیل، مردان اقتصادی به‌ناچار به سمت پیامدسازی‌های غربی رفتند!

■ پیاده‌سازی اقتصاد اسلامی با ابزار غربی!

متأسفانه چه دولت‌هایی که خواستار اجرای سیاست تعدیل بودند و چه دولت‌هایی که نمی‌خواستند آن را اجرا کنند، همه یک کار انجام داده‌اند، زیرا ناخواسته نهادسازی کنند و جایگزینی برای آن ارائه دهند. به همین دلیل، مفهوم عدالت همچنان مفهوم تحقق نیافته اقتصاد ایران است و ما همچنان شاهد تمرکز ثروت ناچیز و رانت در اقتصاد هستیم که اقتصاد نفتی آن را تشدید کرده است. شاید از همین رو بوده که بحث اقتصاد مقاومتی از سوی مقام معظم‌رهبری ابلاغ شد تا در قالب الگویی اقتصادی و گفتمانی مؤثر در اقتصاد محقق شود که از یک سو مقاوم در مقابل تهدیدهای بیرونی باشد و از سوی دیگر استوارتر بیشتر عدالت را دستور کار قرار دهند. از همین رو همچنان نیازمند الگوهای بومی اقتصادی تسنیم، زیر بار ابزارهای غربی و پذیرای تمام مکانیسم‌های آن، نمی‌توانیم اقتصاد عدالت‌بنیان درست کنیم.



تهران – تالار وحدت

تجلیل از ۱۱۹ نخبه علم و دانش

۲۶ مهر ماه ۹۳